

## زود برخیز کاروان رفت



شایسته است بر تو که از معاشرت‌های خالی از تعلیم با مردم بکاهی، به‌ویژه با ثروتمندان و مترفین و دنیاخواهان، باید آنچه را که آخرت را از یاد تو می‌برد و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد می‌کند، رها کنی، و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی، زیرا این عمل به‌طور کلی در تهذیب نفس مؤثر است.

شایسته است بر تو که از معاشرت‌های خالی از تعلیم با مردم بکاهی، به‌ویژه با ثروتمندان و مترفین و دنیاخواهان، باید آنچه را که آخرت را از یاد تو می‌برد و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد می‌کند، رها کنی، و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی، زیرا این عمل به‌طور کلی در تهذیب نفس مؤثر است.

به قلم آیه‌الله حسن‌زاده آملی

رهنمودهای اخلاقی و تربیتی علامه شعرانی(ره)

شاگردان و تلامیذ فاضل استاد خاطرات فراوانی حاکی از صفای درونی و سادگی و خوش‌خلقی و پایداری انسان در تعلیم و تعلم و بی‌پیرایگی استاد در عین فراست و دقت، نقل می‌کنند، به چند نمونه اکتفا می‌شود.

روش تدریس و بیان استاد:

آیه‌الله شعرانی مطالب عالی‌علمی را تنزل می‌دادند تا همگان بتوانند از مواهب دانش که خدا نصیب ایشان کرده، بهره‌مند گردند و شاگردان آن عالم عالی‌قدر توسط مثال‌هایی که به خود استاد اختصاص داشت، مطالب علمی را به‌خوبی درک می‌کردند.&#171;

شیفته اهل بیت علیهم‌السلام

نوشتن‌های که معرف پارسایی و تواضع و صفا و اخلاص علامه شعرانی به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، مقدمه ایشان بر ترجمه نفس‌المهموم است که ذیلاً نقل می‌شود:

&#171;اما بعد چنین گوید این بنده فانی ابوالحسن بن محمد بن غلامحسین بن ابی‌الحسن المدعو بالشعرانی که چون عهد شباب به تحصیل علوم و حفظ اصطلاحات و رسوم بگذشت و اقتدانا باسلافی‌الصالحین من عهد صاحب منهج‌الصادقین از هر علمی بهره گرفتم و از هر خرمنی خوشه برداشتم، گاهی به مطالعه کتب ادب از عجم و عرب و زمانی به دراست اشارات و اسفار و زمانی به تتبع تفاسیر و اخبار، وقتی به تفسیر و تحشیه کتب فقه و اصول و گاهی به تعمق در مسایل ریاضی و معقول تا آن عهد بسر آمد.

لقد طفت فی تلك المعاهد كلها

و سرحت طرفی بین تلك المعالم

سالیان دراز شب بیدار و روز در تکرار، همیشه ملازم دفاتر و کراریس و پیوسته مرافق اقلام و قراطیس، ناگهان سروش غیب در گوش این ندا داد که علم برای معرفت است و معرفت بذکر عمل و طاعت و طاعت بی‌اخلاص نشود و این همه میسر نگردد مگر به توفیق خدا و توسل به اولیا، مشغولی تا چند؟

علم چندان که بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست نادانی

شتاب باید کرد و معاد را، زادی فراهم ساخت، زود برخیز که آفتاب برآمد و کاروان رفت تا بقیتی باقی است و نیرو تمام از دست نشده، توسلی جوی و خدمتی کن...».

مرحوم آیه‌الله شعرانی در طول عمر پر برکت خود تلامیذ فاضل و شاگردان برجسته‌ای پرورش داده است.

گزیده وصیت‌نامه آیه‌الله شعرانی

توصیه‌ای به برادرانم، یعنی طالبان علوم دین، و پژوهندگان آثار سرور انبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله که بدین کتاب می‌نگرند:

بزرگ‌ترین چیزی که بر طالب علم واجب و ضروری است، خالص گردانیدن نیت اوست که بنده را توفیق می‌دهد و وسایل طاعت خویش را برایش فراهم می‌آورد و هموست که راه درست را در قلوب بندگان الهام می‌بخشد. اگر اخلاص نیت نباشد، هیچ‌کس موفق نمی‌شود از نردبان دانش بالا رفته، یا از آموخته‌های خود سودی برد.

از دیگر اموری که بر طالب علم واجب است، پارسایی و پرهیز از حرام‌ها و مسایل شبهه‌ناک، و نیز مواظبت بر عبادات است، زیرا هیچ‌کس از علم خود سودی نمی‌برد مگر آن را با عمل مقرون سازد. دل‌های مردمان نیز به واسطه عالم بی‌تقوا آرامش نمی‌یابد...

طالب علم، اوقاتی را که در راه علم صرف نمی‌کند به عبادات مستحبی و نوافل اختصاص دهد و از بیکارگی و صرف وقت در مباحثات، و نیز خواندن مطالبی که نفعی برای دین او ندارد، مثل روزنامه‌های سیاسی (ظاهراً مقصود آن مرحوم، پرداختن به تحلیل‌های قلم به‌مزدان روزنامه‌های وابسته به رژیم طاغوت بوده است.) و حکایت‌ها و داستان‌های خالی از عبرت و پند، بکاهد.

و واجب است بر طالب علم که قرائت قرآن کریم را در طول شبانه‌روز ترک نکند و آن قرائت را، به اندازه توانایی خویش، با تدبر و تأمل در ریزه‌کاری‌ها و معانی آیات همراه سازد، و در آیاتی که به اشکال برمی‌خورد به تفسیر مراجعه کند. و نیز واجب است بر او که گفتار و رفتار و مطالعه آن‌چه را که بیهوده است و بدو ارتباطی ندارد واگذارد.

اگر زمانی احساس کرد کسالت و خستگی به درون او راه یافته و او را از مسایل علمی باز می‌دارد، پس باید قلب خود را - چنان‌که در حدیث وارد شده - با حکمت‌های تازه، آسودگی و شادابی بخشد و از پرداختن به بازی‌ها و بیهوده‌کاری‌ها و خواندن اشعار و داستان‌ها دوری گزیند، مگر آنهایی را که حاوی عبرت و پند است.

و باید طالب علم نسبت به علما گمان نیکو داشته باشد. و این، راز موفقیت و وسیله کامیابی و پیروزی است. و بدگمانی به آنان، شقاوت و بدبختی به بار می‌آورد، بلکه گاهی به کفر و گمراهی و جهل مرکب می‌انجامد. پس باید در کلام آن‌ها با عنایتی کامل و تدبری راستین نگریست، زیرا خداوند متعال برای هر چیزی سببی نهاده است که طالب آن، باید در جست‌وجوی آن برآید و از اسباب تعلیم هم یکی استاد است و عنایت به استاد حاصل نمی‌آید مگر با خوش‌بینی و حسن ظن. و این (قاعده) در تمام علوم شرعی و عقلی و صنعت‌ها جاری است. اگر شیخ ابوعلی سینا به ارسطو و فارابی خوش‌بین نبود، آن توجه کامل در فهم کتاب‌های آنان، و آن مقام شامخ در فلسفه، هرگز برای او حاصل نمی‌شد... البته مقصود ما این نیست که این بزرگان، معصوم از خطا هستند، بلکه منظور این است که جایز نیست در اولین برخورد، سریعاً آنان را تخطئه کرد.

و نیز واجب است بر طالب علم که عادت به تعصب و خشکی نسبت به کتاب خاص یا طریقه‌ای خاص پیدا نکند، به ویژه در فقه، که این حرکت به معنای تقلید و پیروی از دیگران است. بسیار دیده شده که طلاب، به تبعیت از مؤلفین دیگر، تنها به نوشته‌های جدید اکتفا می‌کنند، در حالی‌که اساتید و اساطین علم، در میانه سده چهارم تا دهم (هجری قمری) می‌زیسته‌اند. و حتی پاره‌ای از طلاب، در آن‌چه که از [#171](#)؛ ابن جنید» و [#171](#)؛ ابن ابی‌عقیل» و [#171](#)؛ علی‌بن بابویه» نقل شده، تأمل و دقت نمی‌کنند. فتوای آنان را نسخ شده و غیرقابل نظر می‌دانند....

یک طالب علم باید در تهذیب نفس خویش کوشا باشد و خود را به اخلاق فاضله آراسته سازد. و در این راه تنها به خواندن احادیث وارد شده بسنده نکند، بلکه عمده آن است که با اهل اخلاق همنشین و معاشر گردد، و اعمال خود را بر آنان عرضه بدارد و عیوب و کاستی‌های خویش را دریابد و از آنان راه‌های اصلاح نفس را بجوید.

شایسته است بر تو که از معاشرت‌های خالی از تعلیم با مردم بکاهی، به‌ویژه با ثروتمندان و مترفین و دنیاخواهان، باید آن‌چه را که آخرت را از یاد تو می‌برد و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد می‌کند، رها کنی، و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی، زیرا این عمل به‌طور کلی در تهذیب نفس مؤثر است.

چهبسا نادانی بیندازد که در صدر اسلام، مجتهد و مقلد و علم اصول و علم نحو وجود نداشته و مدرسه و خانقاه و مرشد و ذکر و حلقه‌ای در کار نبوده است، پس به این افراد (و گفتارشان) نباید توجه کنی، زیرا دشمنان علم در هر زمان زیاد بوده‌اند و در عصر ما - به جهت غلبه کفار و نصاری- بیشتر هم شده‌اند. اگر بنا باشد که هر چه در صدر اسلام وجود نداشته، اکنون حرام باشد، پس ساختن مدارس، آموختن نحو و صرف، حفظ اصطلاحات حدیث و نقل و روایت آن‌ها و اجازه روایت - چنان‌که میان اهل حدیث متداول است - نیز باید حرام باشد. [در صورتی که چنین نیست]. گمان خود را نسبت به مردم و خداوند متعال نیکو گردان. و آخرین سفارش من، ورع و تقوی است. خداوند ما و شما را در راه خشنودی خود موفق بدارد.